

تحويل بليت‌های فيلم فجر حضوری شد

محمد حیدری، دبیر جشنواره فیلم فجر از مشکلات ایجاد شده برای پیش فروش اینترنتی بلیت عذرخواهی و اعلام کرد که خرید بلیت‌های جشنواره برای ثبت‌نام کنندگان در سامانه پیش فروش به صورت حضوری در پردیس سینمایی ملت انجام خواهد شد. طی روزهای پنج تا هفت بهمن باحضور در پردیس سینمایی ملت بلیت‌های مورد نظر خود را تهیه کنند.



فصل دوم «لیسانسه‌ها»ی سروش صحت کلید خورد

تصویربرداری فصل دوم «لیسانسه‌ها» در روز به کارگردانی سروش صحت در محله مرزداران شهر تهران کلید خورد. نکته جالب توجه حضور بازیگران جدید در «لیسانسه‌ها» که ازجمله این بازیگران آیدآ نامجو است. فصل اول شامل ۲۸ قسمت بود که قرار است فصل دوم به ۲۰ قسمت برسد. تدوین این مجموعه تلویزیونی نیز همزمان در حال انجام است.



پای صحبت‌های کارگردان هایی که از شهرهای رشت و مشهد در جشنواره تئاتر فجر حضور پیدا کرده‌اند

داشته‌ها و نداشته‌های خارج از مرکز



◀ **نمایش «بازگشت در چهارشنبه آخر سال» از شهر مشهد**

رضا حسینی درباره تئاتر شهر مشهد ادامه داد: «پس از شهر تهران باید بگویم که شهر مشهد در تئاتر بسیار فعال است. ما تنها استانی هستیم که با هشت نمایش در جشنواره فجر شرکت داریم. در شهر مشهد هر شب اجرای تئاتر حرفه‌ای پایرجاست و تماشاگران سالن را پررنگی دارد. بسیاری از بخش‌های نمایش ما موسیقی خاصی طلب می‌کرد. البته من خودم احساس نمی‌کنم واقعا یک شهر زنده در زمینه تئاتر هستیم. در کنار سالن اصلی تئاتر شهر مشهد، تماشاخانه‌های خصوصی هم فعال هستند که می‌توانم سالن‌های «شمال»، «اشراق» و «زنده‌یاد انوشیروان ارجمند» را نام ببرم که تماشاگر خاص خود را دارند و شلوغ هستند.»

این هنرمند مشهدی درباره فروش تئاتر و ارتزاق زندگی از طریق تئاتر در مشهد می‌گوید: «به نظر خیلی فضا عالی شده است. تماشاگر خوب داریم. سالن اصلی تئاتر مشهد مملو از مخاطب است. بسیاری از کارها حتی ۴۰ شب اجرا می‌روند. فرصت خوبی است که هنرمندان به‌طور جدی به تئاتر در استان‌هایی مانند



◀ **مجید کاظم‌زاده مژده‌ی**



◀ **رضا حسینی**

◀ **در رشت فرصت روی صحنه بودن نداریم**
مجید کاظم‌زاده مژده‌ی از گروه تئاتر «جهش» از شهر رشت و با نمایش «آکواریوم کانگورو» در جشنواره سی‌وپنجم فجر حضور دارد. او در رابطه با نمایش خود به «فرهیختگان» گفت: «نمایش ما یک اثر ضدجنگ و ضدخشونت است. این نمایش درباره یک سرباز است



◀ **رضا حسینی**

تشییع جنازه رکن‌الدین خسروی ۷ بهمن

پیکر رکن‌الدین خسروی نیمه‌شب چهارشنبه ۶ بهمن، ساعت ۱:۳۰ بامداد، به فرودگاه امام خمینی (ره) خواهد رسید و مراسم تشییع طبق درخواست همسر این هنرمند صبح روز پنجشنبه هفتم بهمن، ساعت ۹:۳۰ از تالار وحدت به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) برگزار می‌شود. این هنرمند پیشکسوت ۲۸ دی، دارفانی را وداع گفت.



که در یک ناکجآباد و در نقطه صفر مرزی حضور دارد. سرباز به دختری دل می‌بندد که در این منطقه مورد اصابت گلوله قرار گرفته است و او هر روز به خواستگاری دختر می‌رود. در این بین عمل جراحی انجام می‌شود و اندام دختر به افراد دیگر پیوند زده می‌شود. می‌خواهیم چهره خشونت‌آمیز جنگ را به تصویر بکشیم. مادر شهر رشت یک کارگاه برپا کردیم که در آن به شیوه شورابی و کارگاهی دست به تولید متن و اجرای زنیم. دغدغه‌های زیادی برای ارائه مناسب اجرا به مخاطب داشتیم و بالاخره توانستیم اجرا بگیریم. بسیاری از بازیگران ما حرفه‌ای هستند و فقط تئاتر کار می‌کنند و از بهترین‌های استان گیلان هستند.»

این کارگردان که متولد ۱۳۵۹ است درباره موقعیت شهر رشت در تئاتر و اجراهای خود می‌گوید: «ما تا کنون هشت اجرای حرفه‌ای در شهر رشت داشته‌ایم که بیشتر آنها مدت زمان کوتاهی، مثلاً هفت روز روی صحنه بوده‌اند. اما مردم شهر رشت بسیار به سرگرمی و تئاتر علاقه دارند و تمام کنسرت‌هایی که در این شهر اجرا می‌شود تمديد می‌شوند و اغلب خواننده‌های مطرح کشور در این شهر کنسرت دارند. تقریباً هر هفته یک کنسرت موسیقی در شهر رشت اجرا می‌شود؛ اما مسئولان به تئاتر اهمیت نمی‌دهند و آخرین اولویت آنها تئاتر است. ما تنها یکی دوسالن داریم و این ضعف ما را از لحاظ سخت‌افزاری نشان می‌دهد و این شهر به‌شدت مظلوم واقع شده است. همین «آکواریوم کانگورو» از ۲۳ تا ۳۰ اردیبهشت در سالن شهید انصاری در مجتمع فرهنگی اتائم الانبیا(ص) رشت به روی صحنه رفت. یعنی تنها هفت روز روی صحنه بودیم. خیلی‌ها اعتراض کردند که چرا مدت زمان اجرای ما آنقدر زیاد بوده است!

در حال حاضر یک سالن دیگر به نام خانه فرهنگ و هنر هم در رشت هست که گروه ما همین حالا یک اجرا به نام «یک شب غم انگیز» را در آنجا اجرا می‌کند. متأسفانه تنها توانستیم ۱۵ شب اجرا بگیریم در حالی که یک کار حرفه‌ای باید حداقل ۳۰ شب اجرا داشته باشد، این کارگردان گیلانی درباره کلیت تئاتر شهر رشت ادامه می‌دهد: «متأسفانه در جریان هستيد که اداره ارشاد و حوزه هنری دیگر حمایتی از اجراهای تئاتری در این زمینه نمی‌کنند و مثلاً اداره ارشاد یک سالن نصف و نیمه در اختیار ما می‌گذارد و از گیشه تئاتر هم مبلغی را دریافت می‌کند. شهرهای استان گیلان آن چنان تماشاگر فعال ندارند و آنها همه به شهر رشت می‌آیند؛ در حالی که شهرهای لاهیجان و انزلی به لحاظ فرهنگی این استعداد دارند که تماشاگران فعالی داشته باشند. ما فقط در شهر رشت ۵۰ کارگردان فعال حرفه‌ای داریم اما متأسفانه سالن و فرصت برای اجرا وجود ندارد.»

نمایش با داستان خاصی روبه‌رو نیستیم و در سالن نمایش با اجراگرانی روبه‌رو هستیم که هر کدام با لباس‌های متفاوت از تاریخ و قومیت‌های ایرانی با موسیقی سنتی می‌خرامند و حتی تماشاگران با آنها تصنیفی را همخوانی می‌کنند. در واقع، «افق‌های تاریخی» گذشته و امروز روی یک خط قرار می‌گیرند. اما، از سوی دیگر با نمایشی دیگر مانند «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» روبه‌رو هستیم که دست روی یک موضوع سیاسی- اجتماعی می‌گذارد. افشین زمانی سعی می‌کند بدون هیچ تأویل خاصی در زمان حاضر، همان مفاهیم و همان اندیشه‌هایی که در نمایش بیضایی موجود است؛ برای تماشاگر زنده



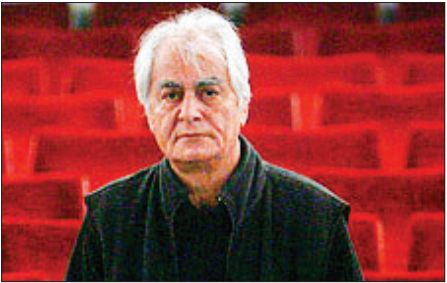
◀ **نمایش «گنبدگاه» به کارگردانی هر ش آر مند**

کند. داستان دو روستایی ساده‌دل که به پایتخت می‌آیند و می‌خواهند کار پیدا کنند، روایت می‌کند. اما به‌طور اتفاقی وارد یک گروه عجیب می‌شوند که توسط دو نظامی هدایت می‌شود و در سطح جامعه نمایش‌های مختلفی را برای حمایت از نظام حاکم اجرا می‌کنند و پول خوبی هم می‌گیرند. بهرام بیضایی فنون نمایش‌های سنتی ایرانی و شرقی را با زبانی معاصر و همچنین دغدغه‌های زندگی انسان ایرانی این روزگار ترکیب می‌کند. کارگردان جوان این نمایش نیز سعی می‌کند همان دغدغه‌ها را زنده کند. بنابراین تئاتر ایرانی در بافت زندگی معاصر ایرانی برای تماشاگران ملموس تر است و از سوی دیگر تماشاگر از فرنگ آمده نیز تجربه متفاوت و جذابی خواهد داشت.

در نمایش «گنبدگاه» به کارگردانی هر ش آر مند

بزرگداشت علی رفیعی در جشنواره تئاتر فجر

از یک عمر دستاورد هنری، علمی و اجرایی علی رفیعی در سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تجلیل می‌شود. این بزرگداشت در روز ۱۲ بهمن در تالار وحدت، در مراسم پایانی جشنواره سی‌وپنجم تئاتر فجر برگزار خواهد شد. علی رفیعی، متولد ۲۲ دی ۱۳۱۷ در اصفهان است که از دهه ۵۰ فعالیت مستمر تئاتری را پی گرفته است.



یادداشت‌های جشنواره-۲

اشاره به نمایش‌های «مستاجر» و «پنجگانه خون، خور، ملمداس» در روز دوم جشنواره تئاتر

این روز بی‌روایت

روز دوم جشنواره شال و کلاه کردم به سمت تالار حافظ برای تماشای نمایش «مستاجر» به نویسندگی و کارگردانی ستاره امینیان.

نمایش اقتباسی است از رمانی به همین نام نوشته «رولان توپور» که هم به فارسی ترجمه شده و هم به واسطه اقتباس سینمایی «رومن پولانسکی» از آن برای مخاطب ایرانی اثری آشناست. مرد جوانی به خانه‌ای نقل مکان می‌کند که مستاجر قبلی آن خودکشی کرده است. نمایش روایتی است از مسلط شدن محیط بر آدم‌هایی که در این آپارتمان مستقر می‌شوند. «مستاجر» از آن نمایش‌هاست که به سادگی نمی‌توان درباره آن اظهارنظر کرد. ایده‌مند بودن و نظم اجرایی خیلی زود خود را نشان می‌دهد اما در نهایت همه این‌ها از «مستاجر» نمایشی تأثیر گذار نمی‌سازد. بخشی از این مساله مربوط به سالن در نظر گرفته شده برای این نمایش است. آپارتمان برپا شده در صحنه تالار حافظ گم شده است. این احساس برای مخاطب وجود دارد که از دور به تماشای این نمایش نشست‌ه است. این درست که چنین میزاسسن و چیدمانی بارها در زندگی روزمره انسان امروزی تکرار می‌شود و ما از دور به تماشای آدم‌ها در خیابان، ساختمان‌ها و... می‌نشینیم اما تجسم بخشیدن به ترس یک شخصیت در این نمای باز کار دشواری است.

در این نمای باز تسلط محیط را شاید بتوان ترسیم کرد اما این تنها یک بعد نمایش است. در بعد دیگر باید شخصیتی ترسیم شود که تحت نفوذ این محیط مدام انباشته از ترس می‌شود. اجرای نمایش آمینان تنها در ترسیم یک بعد این رابطه موفق نشان می‌دهد. از سوی دیگر کارگردان جهان اجرایی را با مخاطب قرار داد می‌کند که در آن صحنه نسبت‌های خود را با زندگی جاری به حداقل می‌رساند. ساده اینکه مخاطب یک خانه معمولی را نمی‌بیند و از همان ابتدا می‌تواند از این خانه به‌عنوان یک خانه رموز یاد کند. شاید تأثیر گذاری زمانی اتفاق می‌افتد که این ترس از دل محیطی نزدیک به واقعه جاری بروز پیدا می‌کرد به جان شخصیت می‌نشست. در شکل اجرایی فعلی، خانه از همان نخست رموز است و غیرمنطقی به نظر نمی‌آید که شخصیتی که در چنین مکانی ساکن می‌شود با چنین مشکلاتی روبه‌رو شود. شاید این ترس باید از بستر واقعی تری می‌جوشید. دکور نمایش هم با مواد، هم با رنگ و هم با رنگ نور چشم مخاطب را دچار سردی می‌کند. گاهی آنچه در جهان معنایی نمایش صاحب کارگرد است، می‌تواند نمایش را در ابعاد دیگری دچار مشکل کند.

کارگردان باید به فکر راهی برای باز کردن رابطه یخ نمایش با مخاطب باشد. ما با دیدن این نمایش معاصر کمی باید یاد زندگی معاصر خود بیفتیم و بترسیم. نمی‌شود که فقط شاهد این ترس باشیم.

بعد از تالار حافظ راهی تئاتر شهر می‌شوم برای تماشای نمایش «پنجگانه خون، خور، ملمداس» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا دوری از بندرعباس در تالار قشقایی. کف صحنه سفید شده است. طراحی نور از همان ابتدا ایده‌مند و پرتحرک نشان می‌دهد. نورهای رنگی روی زمینه سفید می‌نشینند و چشم را به تحرک وادار می‌کنند. علاوه‌بر این‌ها دو نوازنده هم در کنار صحنه نشسته‌اند که این چشم‌نوازی را با گوش‌نوازی همراه کنند. از روی تحقیق و دقیق نمی‌گویم اما در این سال‌ها موسیقی بخش مهمی از تئاتر‌هایی بوده که در بندرعباس یا از سوی بندرعباسی‌ها تولید شده است. شوخی که ندارد بندری‌ها در این سال‌ها موسیقی فعالی داشته‌اند از تجربی‌ترین شکل‌های موسیقی تا پاپ‌ترین شکل‌ها از سوی آنها تولید شده است. از سوی دیگر نویسنده و کارگردان هم به‌منظور بومی بودن به سراغ موزه هنرهای سنتی ترفته و خیال داشته است در فضایی بومی، جهانی معاصر را روایت کند. اما همه این استعدادها به یک باره پشت متنی که نمی‌تواند روایت را به مخاطب منتقل کند معطل می‌ماند. گاهی به نظر می‌آید که دیالوگ‌ها به همان میزان موسیقی جملاتی انتزاعی‌اند، در حالی که شواهد نشان می‌دهد پای روایتی با خطوط ارتباطی پیچیده نشسته‌ایم که هیچ به ما منتقل نمی‌شود و می‌مانیم و همان نور و صحنه و موسیقی.



◀ **نمایب از نمایش «پنجگانه خون، خور، ملمداس»**



گزارش روز

◀ **مشهد یک شهر زنده تئاتری**

رضا حسینی کارگردان نمایش «بازگشت در چهارشنبه آخر سال» که از شهر مشهد در جشنواره حاضر است به «فرهیختگان» گفت: «از زمانی که جشنواره تئاتر رضوی در شهر مشهد شکل گرفت با خودم عهد کردم که باید هر سال در این جشنواره حضور داشته باشم. شاید این امر به خاطر ارادت من به امام (ض) باشد. امسال هم حضور داشتم. من نمایاننامه‌های چاپ شده تئاتر رضوی را خواندم و با متن «بازگشت در چهارشنبه آخر سال» ارتباط پیدا کردم و آن را اجرا کردم. اجرای‌مان در جشنواره تئاتر رضوی نیز جایزه کارگردانی، متن، بازیگری و طراحی را برد و به همین خاطر در بخش مرور جشنواره حضور پیدا کرده‌ایم و به جشنواره تئاتر فجر آمدم.»

این کارگردان مشهدی درباره اجرای خود در جشنواره گفت: «اجرای بسیار خوبی داشتیم. خوشبختانه سالن قشقایی که مناسب اجرای ما بود به ما داده شد و توانستیم دکور خودمان را پیاده بکنیم. مسئولان جشنواره همکاری فراوانی با ما داشتند و واقعا از آنان تشکر می‌کنم.»

نگاه

نگاهی به ۲ نمایش «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» و «گنبدگاه» در جشنواره تئاتر فجر

تئاتر ایرانی در بافت زندگی معاصر

فردریش ویلهلم نیچه در کتاب «خواست قدرت» درباره تأویلی می‌گوید: «نمی‌توان پرسید: پس چه کسی تأویل می‌کند؟ زیرا تأویل خود شکلی از خواست قدرت است.» از سوی دیگر، هانس گئورگ گادامر در کتاب «حقیقت و روش» می‌گوید: «مترجم باید معنا را چنان منتقل کند که در چارچوب بافت زندگی دیگر سخنگویان [مخاطبان] فهمیده شود.»

این دو جمله ذکر شد تا مسیر بحث درباره دو نمایش «گنبدگاه» به کارگردانی هرش آرمند و «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» به کارگردانی افشین زمانی روشن باشد. هنر تئاتر، از جمله هنرهایی است که هم «زمانی» و هم «مکانی» است و مخاطب در یک ساعت معین و در یک مکان مشخص به دیدن آن می‌نشیند. هر اجرا با اجرای دیگر متمایز است و هر متن در هر اجرایی دستخوش تأویل‌های متفاوت می‌شود. متن به مثابه یک راهنمای اجرایی عمل می‌کند و بخشی از تأویل را کارگردان، بخش دیگر را بازیگر و گروه اجرایی و در نهایت تأویل اصلی را مخاطب بر متن سوار می‌کند. اما هر مخاطب در یک جغرافیا و یک دوره تاریخی خاصی زندگی و با معضلات و دغدغه‌های متفاوتی زیست می‌کند. مثلاً در قرن‌های گذشته مشکلات



سید حسین رسولی
خبرنگار گروه تماشا